

آسیب‌شناسی وفاداری در روابط زناشویی^۱

منصور فتحی^۲

چکیده:

در این مقاله علل بی‌وفایی زناشویی مردان و زنان که امروزه طبق شواهد، قراین و آمارهای غیررسمی به صورت نگران‌کننده‌ای به یکی از آسیب‌های اجتماعی پنهان جامعه تبدیل شده، مقایسه و تحلیل شده است و سپس بر آن مبنای راهکارها و پیشنهادهای کاربردی درخصوص پیشگیری و کاهش بی‌وفایی زناشویی و استحکام نهاد خانواده ارائه گردیده است. در مطالعه حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شده است. افراد مشارکت‌کننده را مردان و زنان بی‌وفا در روابط زناشویی تشکیل می‌دهند. براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز معیار اشباع نظری، ۴۰ نفر از مردان و ۳۲ نفر از زنان بی‌وفا در روابط زناشویی در این مطالعه شرکت نمودند. جهت گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختارمند عمیق بهره گرفته شد.

تحلیل اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها، پنج درون‌مایه اصلی را آشکار ساخت که شامل مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی، نارضایتی جنسی، ویژگی‌ها و

۱. یک مطالعه کیفی

۲. استادیار گروه مددکاری اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

fathi.mansour@gmail.com

خصوصیات فردی، مشکلات خانواده، خاستگاه و عوامل اجتماعی بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد؛ باوجوداینکه اکثر مردان مطالعه شده، فقدان ارضای نیازهای جنسی و زنان مشارکت‌کننده، برآورده‌نشدن نیازهای عاطفی در روابط زناشویی را به‌عنوان دلیل اصلی بی‌وفایی خود بیان نمودند؛ اما نباید از تأثیر خصوصیات، نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی، خانواده، خاستگاه و عوامل کلان اجتماعی و تسهیل‌کننده در این زمینه غافل ماند. **کلیدواژه‌ها:** نارضایتی زناشویی، بی‌وفایی زناشویی، روابط خارج از ازدواج، تحلیل تماتیک

بیان مسئله

در سال ۱۹۴۸ آلفرد کینزی، اولین داده‌های میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی را گردآوری نمود. او دریافت که از ۳۰۸۸ مرد و ۲۰۰۰ زن در آمریکا، به ترتیب ۵۰ و ۲۶ درصد بی‌وفایی زناشویی داشتند. در طول دهه ۱۹۵۰ مبانی نظری زیادی درباره بی‌وفایی زناشویی منتشر شد و مطالعات پراکنده‌ای در این زمینه تا دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ انجام گرفت. نگرانی درباره ایدز و رفتارهای جنسی پرخطر باعث شد تا توجه ویژه به این نوع تحقیقات صورت گیرد؛ در نتیجه، مطالب مربوط به ادبیات موضوع به‌طور چشمگیری افزایش یافت (جنیفریو، ۲۰۰۹). مطالعات متعددی نشان می‌دهد که یکی از دلایل عمده طلاق، همسرآزاری و همسرکشی در فرهنگ‌های مختلف، بی‌وفایی در روابط زناشویی است (خدمتگذار و همکاران، ۱۳۸۷). افراد درگیر بی‌وفایی زناشویی با مسائل عاطفی منفی نظیر خشم، حسادت، احساس حقارت، ناامیدی و نداشتن اعتماد به نفس مواجه هستند (لاوسن^۱، ۱۹۹۵). افسردگی تجربه مشترک این گروه است. آن‌ها ممکن است به دلیل از دست دادن اعتماد به همسرانشان و نقض عهد و پیمان در روابط خصوصی، آسیب‌های شدیدی ببینند. بی‌وفایی زناشویی، ثبات و امنیت خانواده را که برای رشد بهداشت روانی کودکان حائز اهمیت است، تهدید می‌کند (لاسترمن^۲، ۲۰۰۵) و افراد درگیر را با خطر بیماری‌های سرایتی جنسی مواجه می‌نماید (اسمیت^۳، ۲۰۰۷).

1. Lawson
2. Lusterman
3. Smith

طبق برآوردها، بین ۲۱ تا ۷۰ درصد زنان و ۲۶ تا ۷۵ درصد مردان در ایالت متحده آمریکا در طول زندگی زناشویی، حداقل یک‌بار به روابط خارج از ازدواج روی می‌آورند (جنیفریو، ۲۰۰۹). براساس نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۰۸، از ۱۰۲۵ نفر بزرگ‌سال در آمریکا نشان داد که ۵۴ درصد از پاسخگویان بیان نمودند؛ فردی که به همسرش خیانت کرده، می‌شناسند (جیسون^۱، ۲۰۰۸).

اگرچه هیچ آماری در ارتباط با میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی در کشور ما منتشر نشده است؛ اما بعضی تحقیقات در درون خود اشاره‌هایی به این مسئله کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال نتایج پژوهشی درخصوص پدیده همسر کشی در ۱۵ استان کشور نشان می‌دهد که ۶۷ درصد، مربوط به قتل زنان است که به‌دلیل خیانت و سوءظن توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند (کشاورز آقا محمدی، ۱۳۸۷).

بررسی‌های علمی جهت شناسایی عوامل و متغیرهای مرتبط با این مشکل به تفکیک جنسیت و پیامدهای آن در جامعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در کشورهای مختلف در خصوص علل و عوامل به‌وجودآورنده بی‌وفایی زناشویی و روش‌های درمان و پیشگیری آن تحقیقات مختلفی صورت گرفته است، این درحالی است که به‌دلیل حساسیت زیاد، نداشتن دسترسی آسان به افراد، واکنش شدید جامعه و قوانین نسبت به عاملان، پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه بسیار اندک و ناکافی هست و همچنین توجه جدی از سوی کارشناسان و پژوهشگران به بی‌وفایی زناشویی، به‌عنوان زنگ خطری برای امنیت و سلامت افراد، خانواده و جامعه مبذول نشده است. از سوی دیگر، واکنش جامعه نسبت به بی‌وفایی مردان و زنان متفاوت است، در این بین خیانت مردان بیشتر پذیرفته می‌شود؛ درحالی که مبحث زنان در این باره کاملاً متفاوت است و میزان مجازات رسمی و غیررسمی برای چنین انحرافات در باره زنان بیش از مردان است.

بی‌شک آسیب‌شناسی وفاداری در روابط زناشویی و برنامه‌ریزی جهت پیشگیری، کاهش

و رفع عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی، می‌تواند جامعه را در راستای ارتقای سطح سلامت، حفظ نظم و تعادل اجتماعی رهنمون سازد؛ از این رو مطالعه کیفی حاضر جهت فهم عمیق عوامل تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز بی‌وفایی مردان و زنان انجام گرفت.

پیشینه مطالعاتی

پژوهش کیفی به دنبال انتخاب چارچوب نظری و نظریه آزمایشی نیست و بررسی پیشینه پژوهش و نظریه‌های مرتبط، صرفاً برای افزایش حساسیت نظری پژوهشگر است. البته بعد از گردآوری اطلاعات، در خصوص یافته‌های پژوهش با پیشینه و مبانی نظری منطبق و دلایل آن بحث خواهد شد.

تحقیقات در خصوص بی‌وفایی زناشویی نشان می‌دهد که یک ارتباط پویای اجتماعی و شخصی، در درگیر شدن افراد در روابط خارج از ازدواج وجود دارد. براساس یافته‌های آماتو و راگرز (۱۹۹۷)، احتمال تجربه روابط خارج از ازدواج در بین زوجین جوان‌تر (کم‌سن‌وسال‌تر) بیشتر است؛ در حالی که یافته‌های آتکینز، بوکام و جکوبسون در سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد، زوجینی که در سنین بالا ازدواج کردند، تجربه بیشتری از خیانت داشتند. لیو^۱ (۲۰۰۰) دریافت که روابط جنسی خارج از ازدواج مردان در سال هفتم و زنان در سال هشتم ازدواج به اوج خود می‌رسد. این یافته همسو با نرخ طلاق است که بیشترین میزان آن در سال هشتم ازدواج اتفاق می‌افتد (تیوسنارد^۲، ۲۰۰۹).

آتکینز و دیگران، در سال ۲۰۰۱ بیان کردند که بی‌وفایی زناشویی در بین زوجینی که تنها یکی از آن‌ها شاغل است، بیش از زوجینی است که هر دو شاغل هستند. همچنین افرادی که دارای مشاغلی هستند که خیانت در آن‌ها یک اتفاق معمول است احتمال اینکه جذب روابط خارج از زناشویی شوند، بیشتر است (گلاس^۳، ۱۹۹۸ به نقل از کلین، ۲۰۰۷).

جانسون^۴ (۱۹۷۲) معتقد است که تمایلات متعدد فردی در گرایش فرد به روابط خارج از

1. Liu
2. Touesnard
3. Glass
4. Johnson

ازدواج جنسی مؤثر است. برخی دلایل شخصی دیگر، مؤثر در گرایش فرد به این رابطه عبارت‌اند از: میل به تنوع، لذت‌بردن از رابطه جنسی، فقدان بلوغ عاطفی و میل و هیجان‌طلبی (کلین، ۲۰۰۷).

براون^۱ (۱۹۹۱) معتقد است؛ علاوه بر عوامل خطری که فرد با خود به ازدواج می‌آورد، مقدار مشخصی از رابطه زناشویی نیز بر احتمال داشتن روابط جنسی خارج از ازدواج تأثیر می‌گذارد. روابط جنسی ناخوشایند زناشویی یا نداشتن رضایت از ازدواج با بی‌وفایی ارتباط دارد (کلین^۲، ۲۰۰۷). آتکینز و همکاران (۲۰۰۱) بیان کردند که وقتی روابط زناشویی رضایت‌بخش نباشد، شخص به‌سوی افراد دیگر گرایش پیدا می‌کند که این ممکن است منجر به روابط خارج از ازدواج شود. برخی پژوهشگران معتقدند که بی‌وفایی زناشویی بیش از همه، محصول بد کارکردی ازدواج است (کمپل^۳، ۲۰۰۹).

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که بین رضایت زناشویی و روابط خارج از ازدواج در زنان رابطه وجود دارد؛ اما این رابطه در مردان به دست نیامد؛ به‌عنوان مثال گلاس و وایت (۱۹۸۵) دریافتند، مردانی که برای اولین بار، رابطه جنسی خارج از ازدواج را تجربه کرده بودند، از روابط زناشویی خود راضی بودند؛ درحالی‌که زنان ناراضی از روابط زناشویی، بیش از دیگران رابطه خارج از ازدواج داشتند (پرینس و دیگران، ۱۹۹۳). در بین افراد دارای روابط خارج از ازدواج، زنان کمتر از مردان از روابط زناشویی خود رضایت داشتند (گلاس و وایت، ۱۹۸۵). براساس پژوهش مارانو، ۵۶ درصد از مردان درگیر در روابط خارج از زناشویی اظهار نمودند که همسرانشان را دوست دارند و از رابطه جنسی خود راضی هستند؛ درحالی‌که ۳۴ درصد از زنان ابراز نمودند که از ازدواجشان راضی هستند (گلاس، ۲۰۰۳). مطالعات دیگر نشان می‌دهد که بین رضایت زناشویی و روابط خارج از ازدواج در هر دو جنس رابطه وجود دارد؛ اما میزان این رابطه در بین زنان بیشتر است (گلاس، ۲۰۰۳؛ آلن^۴ و

1. Brown
2. Cleine
3. Campbell
4. Allen

همکاران، ۲۰۰۵). براساس این یافته‌ها، برخی از نویسندگان معتقدند که نارضایتی زناشویی عامل مهمی برای روابط خارج از ازدواج زنان محسوب می‌شود؛ اما ممکن است عوامل شخصی برای مردان عامل مهمی باشد (گلاس و وایت، ۱۹۹۲ به نقل از کمپل، ۲۰۰۹). گلاس و وایت (۱۹۷۷) دریافتند که رابطه بین رضایت زناشویی و بی‌وفایی به زمان شروع نارضایتی بستگی دارد و در بین زنان و مردان نیز متفاوت است. در بین مردانی که از اول ازدواج، رضایت کمی داشتند و زنانی که بعد از مدتی، رضایت آن‌ها کاهش پیدا کرده بود، بی‌وفایی زناشویی به‌طور معمول شایع است.

کیفیت پایین یا کمی رابطه جنسی در روابط زناشویی و نبود تشابه و تفاهم در ازدواج، از عوامل زمینه‌ساز رابطه جنسی خارج از ازدواج است که شاید درگیری افراد در این رابطه به‌عنوان ابزاری جهت بازگرداندن تعادل باشد (پرینس و دیگران، ۱۹۹۳؛ تریس و گیسن، ۲۰۰۰). ادبیات رضایت زناشویی و روابط خارج از ازدواج دارای اشکالاتی است؛ زیرا رضایت زناشویی، متناقض تعریف و اندازه‌گیری شده و مقایسه نتایج را با مشکل مواجه نموده است؛ بنابراین نقش نارضایتی زناشویی به‌عنوان انگیزه‌ای برای روابط خارج از ازدواج واضح نیست.

تحقیقات تجربی نشان داده‌اند، میزان روابط خارج از ازدواج در بین افراد مذهبی کمتر است (آماتو و راگرز، ۱۹۹۷؛ تریز و گیسن، ۲۰۰۰). آتکینز و همکاران (۲۰۰۱) دریافتند که بین رفتار مذهبی زوجین و رضایت زناشویی آن‌ها رابطه وجود دارد، افرادی که در مراسم و خدمات مذهبی، بیشتر حضور دارند حتی باوجود رضایت زناشویی پایین، احتمال کمی وجود دارد که به روابط خارج از ازدواج روی آورند (بلو^۱ و همکاران، ۲۰۰۵).

لیو (۲۰۰۰) بیان کرد که داشتن فرزند نوعی از سرمایه‌گذاری انسانی^۲ است که فرد را به خانواده‌اش پای‌بند می‌کند. فرض بر این است که فرزندان مثل سدهایی در مقابل بی‌وفایی زناشویی هستند؛ چون می‌تواند سرمایه‌گذاری فرد را در رابطه زناشویی افزایش دهد.

1. Blow

2. human capital investment

پژوهش‌های انجام گرفته در ارتباط با بی‌وفایی زناشویی در کشور ما به دلایل مختلفی؛ همچون حساسیت زیاد موضوع، نداشتن دسترسی آسان به افراد، واکنش شدید جامعه و قوانین نسبت به عاملان اندک است. در ادامه به نتایج چندین پژوهش در این خصوص اشاره می‌شود؛ نتایج پژوهش شیردل با عنوان عوامل گرایش زنان و مردان متأهل شهر بجنورد به رابطه نامشروع جنسی در سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که عوامل نارضایتی عاطفی و جنسی در روابط زناشویی، حس انتقام‌جویی نسبت به بی‌وفایی همسر و تنوع‌طلبی در گرایش زنان و مردان متأهل به روابط نامشروع جنسی مؤثر هستند (شیردل، ۱۳۸۳).

یافته‌های تحقیق ضیایی و همکاران در خصوص ۳۷ نفر از متأهلین دارای روابط خارج از ازدواج ساکن شهر شیراز و تهران (۲۱ نفر مرد و ۱۶ نفر زن) نشان می‌دهد که ۵۶ درصد از افراد مطالعه شده از حمایت عاطفی و ۵۹ درصد از روابط جنسی با همسر خود رضایت داشتند (ضیایی و همکاران، ۱۳۸۷).

یافته‌های شاه سیاه و همکاران که با هدف تعیین رابطه تعهد زناشویی و رضایت جنسی در زوجین شهرستان شهرضا در سال ۱۳۸۷ انجام گرفته، نشان داد که بین تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین طول مدت ازدواج با تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه وجود دارد و هرچه طول مدت ازدواج کمتر باشد، تعهد و رضایت جنسی بیشتر است. بین رضایت جنسی و تحصیلات نیز رابطه معناداری وجود دارد. به این معنی که هر چه میزان تحصیلات بالاتر باشد، رضایت جنسی در زوجین بیشتر خواهد بود (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۸). برخلاف اثرات ناگوار و بسیار مخرب بی‌وفایی زناشویی بر فرد، خانواده و جامعه، هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام گرفته در داخل کشور به صورت همه‌جانبه به بررسی عوامل زمینه‌ساز فردی، خانوادگی و اجتماعی و پیامدهای آن نپرداخته است.

نظریه برابری که از رویکرد مبادله اجتماعی پدید آمده، در روابط خارج از زناشویی کاربرد دارد. این نظریه فرض می‌کند که درگیری در روابط خارج از ازدواج، نتیجه تلاش فرد برای بازگرداندن عدالت و برابری در روابط خود است. برابری براساس مقایسه با شریک زندگی

خود در خصوص عادلانه بودن مبادله، بنانهاده شده است (اسپرچر، ۱۹۹۸). پرینس و دیگران (۱۹۹۳) دریافتند که بی‌عدالتی، عامل مشوق یا افزایش تمایل فرد برای بی‌وفایی زناشویی است که این امر در خصوص زنان تقریباً دو برابر مردان صدق می‌کند. در بین مردان، بین احساس بی‌عدالتی و داشتن روابط خارج از ازدواج رابطه آماری معناداری به دست نیامد. این نشان می‌دهد که زنان برای عدالت در روابط زناشویی بیشتر از مردان اهمیت قائل می‌شوند. این تئوری برای توضیح اینکه چرا زوجین به عنوان یک روش برای برگرداندن عدالت و برابری در روابط دست به بی‌وفایی می‌زنند، مفید است؛ درحالی که فشارهای اجتماعی را که در سطح کلان در نابرابری و بی‌عدالتی تأثیر دارد (مانند موقعیت‌های ناعادلانه و پایین زنان در بازار کار) را نادیده گرفته است. همچنین نظریه مبادله اجتماعی به اندازه کافی در خصوص اینکه چرا زوجین، پس از افشای ماجرا، به رابطه زناشویی خود ادامه می‌دهند، توضیح نمی‌دهد (بلو و هارتنت، ۲۰۰۵).

نظریه سرمایه‌گذاری، الحاقی^۱ از نظریه مبادله است که در آن مبادله بین فردی زوجین، محصول تعادل بین سود و هزینه است. این تئوری فرض می‌کند که منافع زیادی در یک رابطه وجود دارد. هر چه منافع بیشتر باشد، رضایت‌مندی فرد بیشتر و در رابطه باقی می‌ماند؛ بنابراین باعث افزایش سطح مشارکت و تعهد می‌شود. نظریه سرمایه‌گذاری همچنین بیان می‌کند که افرادی که جایگزین‌های (آلترناتیوهای) کمتر و ضعیف‌تری در روابط خود دارند، احتمال ترک آن رابطه کمتر است (راسبالت و بونک^۲، ۱۹۹۳). درمجموع این تئوری در توضیح اینکه چرا افراد راضی و متعهد به روابط زناشویی، ممکن است دست به روابط خارج از ازدواج بزنند، عاجز است. همچنین در خصوص فرایندی که در آن، روابط خارج از ازدواج تحت تأثیر انتخاب شخصی صورت می‌گیرد، پرداخته و نه آنکه به عنوان نتیجه‌ای از فرصت‌ها به وجود می‌آید (آلن و دیگران، ۲۰۰۵). اگرچه این نظریه در خصوص پیش‌بینی رفتارهای ترک کردن یا ماندن افراد مفید است؛ اما در خصوص سایر عوامل مانند عشق یا

1. extension

2. Rusbult & Buunk

خرسندی که می‌تواند بر ترک کردن یا باقی ماندن رفتار فرد مؤثر باشد، اظهار نظر نکرده است. همچنین به یکی از مهم‌ترین متغیرهای مهم در پیش‌بینی ثبات زناشویی در فاش شدن رابطه بی‌وفایی زناشویی و واکنش یکی از زوجین توجه نکرده است. در مجموع تئوری سرمایه‌گذاری در زمینه اینکه چگونه ساختارهای کلان جامعه، مانند مذهب بر رفتار ترک کردن یا پای‌بندی به رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد، توضیح نمی‌دهد.

درايگوتاس و روس بيلت^۱ (۱۹۹۲) هفت نیازی را که روابط زناشویی، به افراد برای برآوردن آن‌ها کمک می‌کند، در مدل تحقق نیازها^۲ مشخص کردند: نیازهای جنسی؛ نیازهای صمیمیتی (خود افشایی)؛ نیازهای مصاحبت (فعالیت‌های مشترک)؛ نیاز درگیری فکری (سهیم کردن ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها)؛ نیاز درگیری عاطفی (حس ارتباط عاطفی)؛ نیازهای امنیتی؛ نیاز خود ارزشی (روابطی که به فرد حس خوبی می‌دهد). امکان تحقق این نیازها، اساس جذابیت همسر فرد را تشکیل می‌دهد. اگر در بخشی از رابطه، امکان تحقق یک نیاز خاص مقدور نباشد، این امکان وجود دارد شریکی که نیازش تحقق نیافته، به احتمال زیاد خود را مجاز بداند که نیاز خود را با فرد دیگری در قالب روابط خارج از ازدواج تحقق ببخشد (جنیفریو، ۲۰۰۹).

مدل توسعه خود بر این اساس استوار است که افراد به سمت هدفی که از طریق روابط صمیمی، خود را ارتقا دهند و در جست‌وجوی تجارب، منابع، دیدگاه‌ها، مهارت‌ها، توانایی‌ها و بینش‌های جدید باشند، برانگیخته می‌شوند (آرون و نورمن^۳، ۱۹۹۸ به نقل از جنیفریو، ۲۰۰۹). آرون و آرون (۱۹۹۶) بیان کردند، اگر فردی شیوه‌های جدیدی جهت ارتقای خود در رابطه جاری نیابد، ممکن است شروع به جست‌وجوی فرد دیگری جهت برآوردن نیازهای توسعه خود نماید که ممکن است به روابط نامشروع منجر شود (جنیفریو، ۲۰۰۹). براساس این مدل افراد به دلیل مشکلات و نارضایتی‌های ازدواج، اقدام به روابط خارج از زناشویی می‌کنند.

1. Drigotas&Rusbult

2. Need Fulfillment

3. Aron& Norman

اگرچه بی‌وفایی زناشویی یک معلول چند علیتی است و نظریه‌های متعددی از جنبه‌های مختلف به تبیین آن پرداخته‌اند؛ اما به بی‌وفایی که به عنوان نتیجه فرصت اتفاق می‌افتد، توجه نکرده‌اند. همچنین در توضیح اینکه چرا افراد راضی و متعهد به روابط زناشویی، ممکن است دست به روابط خارج از ازدواج بزنند، عاجزند. تفاوت در نوع سؤالات، تعاریف متفاوت و متعدد بی‌وفایی زناشویی، شیوه‌های مختلف نمونه‌گیری طرح‌های پژوهشی، ممکن است علت تفاوت معناداری بین مطالعات مذکور قبلی و اکثر مطالعات حاضر باشد و در نتیجه مقایسه نتایج را با مشکل مواجه نماید. اگرچه پژوهشگران متغیرهای زیادی را که با خیانت و بی‌وفایی ارتباط دارند، شناسایی کرده‌اند؛ اما تعداد کمی از آن‌ها، تعاملات پیچیده ممکن را از بین این متغیرها بررسی کرده‌اند. بی‌وفایی زناشویی یک برساخت^۱ فرهنگی است که مفهوم و اهمیت اجتماعی آن به خاطر زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و مذهبی متفاوت است. پژوهش‌های محدودی به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی پرداخته‌اند. اکثر پژوهش‌ها به عوامل خطرهای (ریسک فاکتورهای) بی‌وفایی متمرکز شده‌اند یا داده‌هایی را بدون تجزیه و تحلیل تئوریک ا ارائه داده‌اند و به تفاوت‌های جنسی کمتر توجه کرده‌اند. مطالعات کیفی اندکی در زمینه روابط خارج از ازدواج انجام شده در حالی که این نوع مطالعات برای بررسی پیچیدگی‌های مسائل زناشویی بسیار مفید و حائز اهمیت است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که عوامل تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز بی‌وفایی مردان و زنان چیست؟ و چه تفاوتی بین دو جنس وجود دارد؟

روش مطالعه

ماهیت این پژوهش به نحوی است که با روش‌های کمی به اطلاعات دقیق و علل اصلی و ریشه‌ای آن نمی‌توان دست یافت بلکه تنها از طریق بهره‌گیری از روش‌های کیفی که در آن بر تعامل با مشارکت‌کنندگان و فهم دیدگاه‌ها، معانی، بافت یا موقعیت آن‌ها تکیه دارد، میسر است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شده است.

افراد مشارکت‌کننده را مردان و زنان بی‌وفا در روابط زناشویی که به‌منظور انجام مشاوره به ۴ مرکز مشاوره و کلینیک مددکاری اجتماعی (در شمال، جنوب، مرکز و شرق تهران) مراجعه نموده بودند، تشکیل می‌دهند. در این مطالعه منظور از بی‌وفایی زناشویی، داشتن تجربه حداقل یک‌بار رابطه جنسی در دوران متأهلی با فردی غیر از همسر است.

در پژوهش حاضر براساس روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و نیز معیار اشباع نظری، ۴۰ نفر از مردان و ۳۲ نفر از زنان بی‌وفا در روابط زناشویی در این مطالعه شرکت نمودند. لازم به ذکر است که اشباع نظری در مردان پس از مصاحبه با نمونه ۳۳ و در زنان در نمونه ۲۸ حاصل شد؛ اما جهت اطمینان بیشتر چند مصاحبه دیگر نیز صورت گرفت که تجزیه و تحلیل آن‌ها باعث ایجاد کد مفهومی جدیدی نگردید.

جهت گردآوری داده‌ها از فن مصاحبه نیمه‌ساختارمند عمیق استفاده شد. این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف و عمیق‌بودن برای پژوهش‌های کیفی مناسب است. مصاحبه با سؤالات کلی و ساده شروع شد و به سمت سؤالات جزئی‌تر پیش رفت. میانگین زمانی مصاحبه‌ها در حدود ۶۰ دقیقه بود. بلافاصله بعد از هر مصاحبه، کار تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد. ابتدا متن مصاحبه‌ها خط‌به‌خط و کلمه‌به‌کلمه بررسی و با استفاده از عبارات کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط پژوهشگر انجام شد. کدهای مشابه از نظر ماهیت و معنا در یک طبقه قرار داده شدند. طبقات و کدهای هر مصاحبه با مصاحبه بعدی مقایسه شدند تا خواص و روابط مشترک بین آن‌ها شناسایی شود. سپس طبقات مشابه به لحاظ مفهومی و خصوصیات در هم ادغام شدند و حول محور مشترکی قرار گرفته و طبقات وسیع‌تری را تشکیل دادند.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد^۲ (معادل اعتبار و روایی در تحقیقات کمی) از سه تکنیک متعارف و مرسوم (پاتن^۳، ۲۰۰۲؛ سیلورمن^۴، ۲۰۰۵؛ کوال و برینکمن^۵، ۲۰۰۹) زیر استفاده گردید:

-
1. purposeful sampling
 2. Trustworthiness
 3. Patton
 4. Silverman
 5. Kval and Brinckman

- کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش بعد از کدگذاری اولیه، متن مصاحبه‌ها و کدهای استخراج‌شده در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و به‌جز دو مورد که نظرات آن‌ها نیز اعمال گردید، بقیه افراد صحت متون پیاده‌شده و کدهای استخراج‌شده را تأیید نمودند؛

- مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع و مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده با آن‌ها مقایسه و ارزیابی شد؛

- استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه پژوهش کیفی، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

در ابتدای مصاحبه درخصوص هدف تحقیق، روش مصاحبه، حفظ گمنامی و محرمانه‌بودن اطلاعات، اختیاری‌بودن شرکت در مطالعه و برخورداری از حق کناره‌گیری از پژوهش به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد. همچنین جهت ضبط مصاحبه‌ها قبل از شروع مصاحبه، از مشارکت‌کنندگان اجازه گرفته شد. داده‌های خام مطالعه در جای امنی نگهداری شد و تنها برای گروه تحقیق در دسترس بود.

یافته‌ها

بیشترین مورد بی‌وفایی زناشویی مردان در بین ۱۰-۶ سال بعد از ازدواج و زنان در ۵ سال اول ازدواج آن‌ها به وقوع پیوسته است. اغلب افراد مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر، دارای فرزند هستند. اکثر زنان مطالعه‌شده، خانه‌دارند؛ درحالی‌که در بین مردان، مشاغل کارمند، مغازه‌دار و فروشنده (اغلب لوازم زنانه) و راننده تاکسی و آژانس به‌ترتیب، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است.

مقولات اصلی

تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از افراد مشارکت‌کننده درخصوص عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی، منجر به استخراج مقولات و مفاهیم زیر گردید:

۱. مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی

ارضای نیازهای روحی و روانی در روابط زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طوری‌که در پژوهش حاضر، اکثر زنان و تعدادی از مردان مطالعه‌شده به مشکلات عدیده‌ای در این زمینه اذعان و آن را عاملی برای گرایش به روابط خارج از ازدواج بیان نمودند. درجدول زیر به مفاهیم برگرفته از مصاحبه‌ها اشاره شده است.

جدول ۱: مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها درخصوص مشکلات عاطفی و رفتاری افراد مطالعه شده در روابط زناشویی

مقوله (طبقه)	مفاهیم
مشکلات عاطفی و رفتاری مردان در روابط زناشویی	بی‌توجهی به شوهر (گذراندن اوقات با دوستان از طریق تلفن، تفریح، مسافرت و غیره)، فقدان ابراز محبت و ارضای نیازهای روحی و روانی شوهر، اختلاف در عقاید، باورها و سلاقی، کشاندن مسائل زناشویی به خانواده‌ها و فراهم کردن زمینه دخالت‌های آن‌ها، خشونت جسمی توسط مرد، حساسیت‌های زیاد زن و کنترل شوهر و اتهام رابطه به او (بی‌وفایی مرد از سر لجبازی)، بداخلاقی زن (بددهنی، غر زدن‌های مداوم، رفتار تحمل‌ناپذیر همسر)، مشاجره، درگیری و قهر طولانی با همسر، فقدان علاقه به همسر و دوست‌نداشتن او (به‌دلیل ازدواج اجباری، اجازه ندادن خانواده به ازدواج با فرد مدنظر و ...)، از بین رفتن عشق و علاقه و به‌وجود آمدن دل‌زدگی زناشویی، برآورده‌نشدن انتظارات از ازدواج، داشتن حس برتری نسبت به همسر، مطرح‌شدن بحث طلاق به خاطر اختلافات، فقدان جذابیت همسر: به دلیل بی‌توجهی زن به‌ظاهر (آرایش‌نکردن و نداشتن پوشش مناسب و جذاب در خانه)، فقدان رضایت از ظاهر همسر (چاقی، لاغری و نداشتن هیکل مناسب)، تنبلی و شلختگی و فقدان رفتارهای جذاب، رفتارهای تحقیرآمیز همسر (مقایسه شوهر با مردهای دیگر و تمسخر او نزد دیگران)

مشکلات عاطفی و رفتاری زنان در روابط زناشویی	درگیری و مشاجره با همسر، فقدان محبت و صمیمیت از طرف شوهر، داشتن زندگی کسالت‌بار (محیط خشک، سرد و بی‌روح)، کم حرف بودن و صحبت نکردن شوهر (سکوت طولانی)، گوش نکردن به همسر، زدن اتهام خیانت به زن توسط شوهر، خشونت جسمی توسط شوهر، قهر طولانی شوهر، توهین و تحقیر توسط شوهر، برخورد بیگانه با زن، بی‌محلی از طرف شوهر، سوءظن شوهر، فقدان توجه، تعریف نکردن شوهر از همسر، دمدمی مزاج بودن شوهر، ارضا نکردن نیازهای عاطفی، بها ندادن شوهر به پوشش و نظافت شخصی، اتکاپذیر نبودن شوهر (ظاهر و کردار بیگانه)، داشتن احساس برتری به شوهر، بی‌احترامی شوهر به خانواده همسر، اختلاف شوهر با خانواده همسر، توجه بیش از اندازه شوهر به خانواده خود و غفلت از همسر، اختلاف با خانواده شوهر، تنفر از شوهر، بی‌غیرتی شوهر به دلیل اعتیاد، محقق نشدن انتظارات از ازدواج، ایراد گرفتن از زن، فاصله سنی و تفاوت بین خصوصیات اخلاقی و رفتاری با شوهر، احساساتی و هیجانی بودن زن در مقابل خونسردی و آرام بودن مرد، احساس تنهایی، قهرهای طولانی با همسر، پشیمانی از ازدواج در دوران عقد، درک نشدن از سوی همسر، اختلاف سلیقه، ایجاد محدودیت (کنترل) توسط همسر، رسیدن به بن‌بست و نداشتن وجه اشتراک با همسر، تنفر شوهر از زن، تهدید به طلاق توسط شوهر، بی‌مسئولیتی شوهر، پایین بودن اعتماد به نفس شوهر، رفیق‌بازی شوهر، نداشتن اعتقاد به زن و بهاندادن به همسر، مشکلات ناشی از شغل نوبتی شوهر (شب‌کاری)، بداخلاقی و بددهنی شوهر، مشکلات مالی
---	--

در زیر به نمونه‌های شایع که افراد شرکت‌کننده تأکید بیشتری بر آن‌ها داشتند، پرداخته می‌شود:

فقدان محبت و صمیمیت

«شوهرم بهم محبت نمی‌کند. بعد از ۵ سال زندگی مشترک، دیگه به آخر خط رسیدم. من جوانم آرزو دارم، خیلی محبت می‌خواهم؛ اما شوهرم درکم نمی‌کند. الآن دنبال محبت می‌گردم نمی‌دانم کجا پیدا کنم. خیلی پشیمان شدم با او ازدواج کردم. فقط به فکر خودش و شکمشه. دیگه به آخر خط رسیدم.»

خشونت جسمی توسط شوهر

حدود نیمی از زنان مطالعه‌شده، از سوی شوهرانشان دچار خشونت جسمی (کتک زدن، کوبیدن سر به دیوار و غیره) شده‌اند.

«شوهرم وقتی عصبی می‌شه، دست بزن دارد. یک هفته بعد از عروسی، کتکم زد. وقتی ناراحت می‌شدم و گریه می‌کردم، منو می‌زد و می‌گفت گریه نکن. سرم را به دیوار می‌کوبید، سرم باد می‌کرد و از سرم خون می‌اومد. چهار بار پرده گوشم پاره شده، یک بار بینی‌ام شکسته، شکایت کردم.»

آزار روحی و روانی توسط شوهر

اکثر زنان درگیر در روابط خارج از ازدواج، از آزارهای روحی و روانی (توهین، تحقیر، بی‌محلی کردن، ایراد گرفتن، بی‌احترامی، بددهنی، کنترل و ایجاد محدودیت و غیره) رنج می‌بردند.

«آدم بددهن و بداخلاقی است. بارها سر مسائل کوچک جروبحثان شده، شروع کرده به فحش دادن و منم طاقت نیاوردم جوابش را دادم و کتک کاری به‌حدی بوده که من ناراحت شدم و به خونه پدرم رفتم. به‌زور ما را آشتی می‌دادند و کسی توجه نمی‌کرد که من این آقا را دیگه نمی‌خواهم و دیگه تحمل فحش‌هایش را ندارم. هم‌سرم خیلی بداخلاق است. اصلاً نمی‌شه باهاش حرف زد.»

بی‌توجهی به نیازهای شوهر

توجه بیش‌ازحد به خانواده، گذراندن اوقات فراغت با دوستان، صرف وقت بیشتر برای بچه‌ها و بی‌توجهی به خواسته‌ها و نیازهای شوهر، در گرایش تعدادی از مردان به روابط خارج از ازدواج مؤثر بوده است.

«ایراد زنم اینه که زیاد اجتماعی و روابط عمومی بالایی دارد. دوست دارد همه‌اش بیرون باشد. تو خونه بند نمی‌شه. تو خونه هم که هست، یکسره با دوستانش صحبت می‌کند. با دوستانش مسافرت می‌رود.»

دوست نداشتن همسر

تعدادی از مردان به دلیل ازدواج مصلحتی و تحمیلی از سوی خانواده و فقدان علاقه به همسر از بدو ازدواج و برخی نیز به خاطر اخلاق و رفتار همسر در طول زندگی مشترک از همسر خود دل‌زده شده‌اند.

«این ازدواج به اصرار خانواده‌ام صورت گرفته. از اول هیچ علاقه‌ای بهش نداشتم. هیچ موقع این احساس را نداشتم که همسرم، دوستم است.»

۶-۱- غر و نق‌زدن، گیردادن و پرخاشگری زن

تعدادی از مردان بی‌وفا از گیردادن، غرزدن‌های مداوم و پرخاشگری همسران خود خسته شده بودند و تمایلی به آمدن به خانه و سپری کردن اوقات خود با همسرانشان را نداشتند.

«از غرزدن و گیر دادن‌هایش خسته شدم و دوست ندارم خونه بیام. همه‌اش پرخاشگری می‌کرد. خیلی وقت‌ها از سر لج و لجبازی به سمت خانم‌های دیگر رفتم.»

نارضایتی جنسی

یکی از مقولات مهم و اثربخش در گرایش مردان و زنان متأهل به بی‌وفایی، رضایت پایین آن‌ها از روابط زناشویی است. اگرچه تفکیک رضایت جنسی و عاطفی در روابط زناشویی از هم دشوار است؛ اما اکثر مردان بی‌وفا در روابط زناشویی، نارضایتی جنسی را به عنوان انگیزه اصلی بی‌وفایی خود بیان نمودند. همچنین مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها بیانگر آن است که، اهمیت دادن به بدن و لذت جنسی به مرور جای خود را به پیش‌زمینه‌های ذهنی منفی از امر جنسی در میان زنان داده است. فقدان رابطه جنسی رضایت‌بخش و ارضا کننده، موجبات نارضایتی عاطفی را تا حدودی به همراه داشته است.

مفاهیم متعددی از مصاحبه‌ها در این خصوص به دست آمد که در قالب جدول زیر ارائه می‌شود.

آسیب‌شناسی وفاداری در روابط زناشویی ۱۹۱

جدول ۲: مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها درخصوص مشکلات جنسی افراد مطالعه‌شده در روابط زناشویی

مقوله (طبقه)	مفاهیم
مشکلات جنسی مردان در رابطه با همسر	تمایلات جنسی زیاد مرد و فقدان توان پاسخگویی همسر، قطع شدن رابطه (به دلیل بارداری همسر، قهر و دعوای طولانی مدت و ...)، مشکلات جنسی مرد (انزال زودرس، ناتوانی جنسی و تمایل به رابطه جنسی با خشونت)، کم شدن رابطه (به دلیل تولد فرزند، بیماری همسر، فضای کوچک خانه و داشتن فرزند نوجوان، قهر، مشاجره و درگیری، زندگی با خانواده همسر در یک آپارتمان، امتناع زن)، کیفیت پایین رابطه (به دلیل همراهی نکردن همسر، سردمزاجی همسر، شرم داشتن و دید منفی همسر نسبت به رابطه، امتناع همسر از نوع خاصی از رابطه، زده شدن از رابطه به خاطر امتناع همسر، یکنواخت بودن رابطه با همسر، نداشتن جذابیت جنسی همسر، لذت نبردن از رابطه جنسی با همسر، محقق نشدن انتظارات جنسی، فقدان علاقه به همسر و برقراری رابطه صرفاً به عنوان وظیفه)
مشکلات جنسی زنان در رابطه با همسر	انزال زودرس شوهر، بلد نبودن شوهر، تعداد کم رابطه، اصرار شوهر بر رابطه زمانی که زن آمادگی ندارد، بی توجهی به خواسته‌های زن، بی توجهی به نظافت شخصی، آماده نکردن برای رابطه، امتناع شوهر از برقراری رابطه جنسی، ناتوانی جنسی شوهر، تحقیر زن به خاطر داشتن میل جنسی زیاد، یکنواخت بودن رابطه، فقدان ابراز احساسات عاطفی و عاشقانه در رابطه، تأثیر اعتیاد شوهر بر رابطه جنسی، طولانی بودن رابطه شوهر به خاطر مصرف مواد، انزال دیررس شوهر، میل جنسی زیاد مرد و نداشتن توانایی زن در پاسخ به آن، امتناع از رابطه جنسی و دردناک بودن رابطه به دلیل تنفر از شوهر، نداشتن احساس راحتی در رابطه جنسی و صحبت درباره آن، تن دادن به رابطه به عنوان وظیفه، برقراری رابطه از روی عادت، تن دادن به رابطه برای به دست آوردن امتیاز، ارضا نشدن در رابطه، دوست نداشتن (تمایل نداشتن به دلیل علاقه نداشتن) رابطه جنسی با همسر، خودارضایی به دلیل مشکلات جنسی همسر، عصبانیت به خاطر برآورده نشدن نیازهای جنسی، میل جنسی زیاد زن و ناتوانی مرد در برآوردن نیازهای جنسی همسر، تماشای فیلم‌های سکسی در حین رابطه جنسی با شوهر، لذت نبردن از رابطه، تصویرسازی با شریک جنسی (پارت‌نر) در رابطه با شوهر.

در زیر به نمونه‌های شایع که مشارکت کنندگان تأکید بیشتری بر آن‌ها داشتند، پرداخته می‌شود:

۱-۲- انزال زودرس شوهر

یکی از مشکلات شایع در روابط جنسی زنان، انزال زودرس همسرانشان بود؛ باوجوداینکه چندین سال با این مشکل مواجه بودند؛ اما حاضر به درمان نبودند.

«دو ماه یک‌بار باهم رابطه جنسی داریم و زمانش هم خیلی کمه، از اول ازدواج این‌طوری بود. مشکل زود انزالی دارد. منو آماده نمی‌کند و من ارضا نمی‌شوم»

۲-۲- امتناع از رابطه جنسی و دردناک بودن رابطه به دلیل تنفر از شوهر

با توجه به اینکه رضایت عاطفی و جنسی ارتباط تنگاتنگی باهم دارند و لازمه رضایت جنسی، رضایت عاطفی و علاقه طرفین است؛ به همین خاطر زنانی که به دلیل ازدواج اجباری یا در طول زندگی مشترک از همسرانشان متنفر شده بودند، نه تنها رابطه جنسی رضایت‌بخش نداشتند، بلکه در پاره‌ای از مواقع این رابطه دردناک و زجرآور نیز بوده است.

«چون منو به زور به پسر خاله‌ام داده بودند. بعد از ازدواج تا ۲ سال، اجازه سکس کامل را نمی‌دادم و باکره بودم. هم می‌ترسیدم و هم داغون بودم، نمی‌خواستم. در رابطه جنسی من هیچ لذتی نمی‌برم. وقتی دخول انجام میشه، دچار انقباض عضلانی می‌شم و رابطه دردناک می‌شه»

۳-۲- ناشی بودن شوهر و فقدان ارضا در رابطه جنسی

فقدان آموزش در خصوص روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش به زوجین و از طرفی بالارفتن آگاهی زنان و تغییر نگرش آن‌ها در خصوص روابط جنسی رضایت‌بخش از طریق تعامل با دوستان (تبادل تجربیات)، مشاهده فیلم‌های سکسی و در برخی موارد تجارب قبل از ازدواج، باعث شده که زنان مثل گذشته به مفعول بودن در رابطه جنسی اکتفا نکنند و به دنبال رضایت از این رابطه باشند. نداشتن آگاهی برخی از همسران زنان مطالعه شده در این زمینه و برقراری رابطه جنسی بدون ایجاد آمادگی، موجب ارضا نشدن و دلزدگی زنان از رابطه با شوهرانشان گردیده است.

«قبل از رابطه، آماده نمی‌کند. به من می‌گفت بیا تو شروع کن. می‌گفتم پس من چی»

خودش ارضا می‌شد و منورها می‌کرد. بهش التماس می‌کردم که منو لمس و نوازش بکند؛ اما توجه نمی‌کرد. هیچ‌وقت در طول زندگی‌ام ارضا نشدم.»

۴-۲- تمایلات شدید جنسی مرد و توانایی نداشتن همسر در برآوردن نیازهای

جنسی

تمایلات شدید جنسی تعدادی از مردان مطالعه شده و ناتوانی همسران در برآوردن نیازهای آنها، منجر به نارضایتی شدید جنسی مردان شده بود.

«در روابط جنسی با همسرم، من بیشتر تمایل دارم و تقریباً میل من برای هر شب است؛ اما ایشان کمتر پاسخ می‌دهد و بارها به من اعتراض می‌کند که من خسته شدم و توانایی این کار را ندارم.»

۵-۲- کاهش و قطع رابطه در دوران بارداری همسر و بعد از تولد فرزند

به دلیل فقدان آموزش‌های مناسب، برخی از همسران افراد مطالعه شده، با وجود نداشتن منع پزشکی، در دوران بارداری و حتی تا یک سال بعد از زایمان از برقراری رابطه جنسی امتناع می‌کردند و این یکی از دلایل گرایش تعدادی از مردان به روابط خارج از ازدواج بوده است.

«از زمان بارداری تا به حال (بچه ۱/۵ سال) رابطه جنسی‌مان قطع شده است. قبل از بچه‌دار شدن هفته‌ای دو بار بود؛ اما از دوران بارداری و تا یک سال بعد از زایمان رابطه جنسی خیلی کم شد. به طوری که حتی به ۳ ماه یک‌بار رسید. در دوران شیردهی (یک سال بعد از زایمان) همسرم تمایل به رابطه نداشت. چون بلافاصله نمی‌تونست دوش بگیرد، امتناع می‌کرد. چون اعتقاد داشت باید باحالت پاکی به بچه شیر داد. بعد از تولد بچه دوم که ناخواسته بود، رابطه‌مان بدتر شد.»

۶-۲- دید منفی همسر به رابطه جنسی

تابو بودن مسئله جنسی و فقدان آموزش‌های مناسب در این زمینه، باعث شده که تعدادی از همسران افراد مطالعه شده، نگرش منفی به رابطه جنسی داشته باشند و از آگاهی‌های لازم

در خصوص رابطه جنسی رضایت بخش برخوردار نباشند.

«همسر، رابطه جنسی را خوب نمی‌دونه. احساس می‌کنه که من سوءاستفاده می‌کنم. نگرش خوبی به سکس ندارد. قبل از عروسی، می‌گفت این کار زشت نباید اتفاق بیفتد. بعد از عروسی هم، همه‌اش طفره می‌رفت. امشب نه یک‌شب دیگر، این هفته نه هفته دیگر.»

«زنم از رابطه جنسی هیچی بلد نیست. فکر می‌کنه که این باید در تاریکی انجام بشه و کار زشتی است.»

۳- ویژگی‌ها و خصوصیات فردی

علاوه بر نارضایتی زناشویی، برخی ویژگی‌های فردی و خصوصیات شخصیتی نیز در تمایل فرد به روابط خارج از ازدواج اثربخش بوده است.

جدول ۳: مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها در خصوص ویژگی‌ها، نگرش‌ها و تجارب فردی اثربخش در بی‌وفایی مردان و زنان

مقوله (طبقه)	مفاهیم
ویژگی‌ها، نگرش‌ها و تجارب فردی مردان	تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، بی‌ضرر دانستن رابطه خارج از ازدواج برای همسر و محقق دانستن خود برای برقراری رابطه، ضعف اعتماد به نفس (جبران کمبود و ناتوانی‌های جنسی) (انزال زودرس، ناتوانی جنسی)، اثبات جذابیت، مردانگی و جوانی، روابط قبل از ازدواج (عادی شدن ارتباط با جنس مخالف، عادت کردن به رابطه با زن‌ها، مقایسه همسر با زن‌هایی که ارتباط داشته، تسری رابطه قبل از ازدواج به بعد از ازدواج)
ویژگی‌ها، نگرش‌ها و تجارب فردی زنان	هیجان‌خواهی و تنوع‌طلبی، احساس محدودیت در ازدواج، کمبودهای عاطفی، تمایلات جنسی بالا و ویژگی‌های شخصیتی، پایین بودن اعتماد به نفس و نیاز به جلب توجه، بی‌ضرر دانستن رابطه خارج از ازدواج برای همسر و محقق دانستن خود برای برقراری رابطه و روابط قبل از ازدواج (عادی شدن ارتباط با جنس مخالف، تسری رابطه قبل از ازدواج به بعد از ازدواج)

به نمونه‌هایی از اظهارات افراد شرکت‌کننده اشاره می‌شود:

۱-۳- تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی

اغلب مردان و برخی از زنان درگیر در روابط خارج از ازدواج به دلیل داشتن ویژگی‌های تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی از بودن در کنار همسر و پای‌بندی به او و تحمل محدودیت‌های ازدواج احساس خوشایندی نداشتند و به دنبال ارضای هیجان‌خواهی و تنوع‌طلبی خود از طریق رابطه با افراد دیگر بودند.

«از دوران مجردی آدم تنوع‌طلبی هستم. هم‌زمان با چند نفر دوست بودم. از شوهرم زده شدم. دوست دارم جوانی کنم. بعد از ازدواج به این نتیجه رسیدم، هر رابطه‌ای که به ازدواج ختم می‌شود، روزمرگی می‌شه ازدواج همه چیز را عادی می‌کند و من با این چیزها میانه خوبی ندارم.»

«از رابطه جنسی با همسر دل‌زده شدم، دوست دارم با زن‌های دیگه هم رابطه داشته باشم. به هر حال، آدم هر روز یک نوع غذا هم بخورد، زده می‌شه.»

۲-۳- تأثیر روابط قبل از ازدواج

اغلب مردان بی‌وفا و حدود نیمی از زنان مطالعه شده، قبل از ازدواج با جنس مخالف رابطه دوستانه و عاطفی داشتند و حتی تعدادی از آن‌ها مبادرت به رابطه جنسی نیز نموده‌اند. این روابط در تعدادی از افراد به بعد از ازدواج نیز تسری پیدا کرده است. به طوری که از بدو ازدواج ایده رابطه با جنس مخالف را داشتند.

«از اول ازدواج فکرم درگیر دوست‌پسرهایم بود. با خیلی از پسرها دوست بودم. شاید ۳۰ نفر. با یک نفر که ۸ سال دوست بودم، رابطه جنسی داشتم. از دوران مجردی آدم تنوع‌طلبی هستم. هم‌زمان با چند نفر دوست بودم.»

«قبل از ازدواج، روابط متعدد جنسی داشتم و حتی همسر هم از این روابط، قبل از ازدواج اطلاع داشت و چندین بار نزد مشاور هم رفتیم. ایشان امیدوار بود که بعد از ازدواج درست می‌شم، با من ازدواج نمود. اما من همچنان بعد از ازدواج نیز با زنان متعددی رابطه داشتم.»

۳-۳- پایین بودن اعتماد به نفس

برخی از مردان مطالعه شده از اعتماد به نفس پایینی برخوردار بودند. تعدادی از آنهایی که با مشکلات زود انزالی و ناتوانی جنسی مواجه بودند، از طریق درگیری در روابط قبل از ازدواج، به دنبال جبران ناکامی ها و سرخوردگی های خود بودند. اغلب زنان مشارکت کننده، به دلیل مشکلات قبل و بعد از ازدواج، از اعتماد به نفس پایین برخوردار بودند. و در برابر توجه شرکای جنسی و اغواگری آن ها آسیب پذیر بودند.

«اصلاً از خودم خوشم نمی آید. ظاهر و اخلاقم را دوست ندارم. اصلاً خصوصیات خوبی ندارم. وقتی رفتار همسرم با من خوب نیست، احساس بی فایده بودن می کنم.»
«نمی توانم قاطع و محکم باشم. نظر دیگران برام خیلی مهمه. جلوی دیگران وانمود می کنم که زندگیم خوبه. معمولاً لحظه ای تصمیم می گیرم و بعداً پشیمان می شم. از حق خودم خیلی می گذرم. اگه کسی بهم بدی و توهین کنه، نمی توانم جوابش را بدم. جرئت اعتراض ندارم.»

۴- مشکلات خانواده، خاستگاه

در این پژوهش، مفاهیم زیر در خصوص مشکلات خانواده، خاستگاه و زمان ازدواج، از مصاحبه های انجام گرفته با افراد مطالعه شده استخراج گردیده است:

جدول ۴: مفاهیم مستخرج از مصاحبه ها در خصوص مشکلات خانواده، خاستگاه مردان و زنان بی وفا

مقوله (طبقه)	مفاهیم
مشکلات خانواده، خاستگاه و ازدواج مردان	داشتن محیط متشنج در دوران کودکی و خانواده، خاستگاه (داشتن سبک تربیتی نایمن)، داشتن اعضای خانواده در گیر در روابط خارج از ازدواج، مشکلات ازدواج (مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه، ازدواج تحمیلی و مصلحتی و بدون علاقه و شناخت) خشونت توسط اعضای خانواده

مشکلات خانواده، خاستگاه و ازدواج زنان	داشتن محیط متشنج در دوران کودکی و خانواده، خاستگاه (داشتن سبک تربیتی نایمن)، مشکلات ازدواج (مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه، ازدواج تحمیلی و مصلحتی و بدون علاقه و شناخت) خشونت توسط اعضای خانواده، طلاق والدین، اعتیاد والدین، سن پایین و ترس از عواقب انتخاب
---	---

به نمونه‌هایی از اظهارات افراد شرکت‌کننده اشاره می‌شود:

۱-۴- فرار از محیط متشنج خانه

محیط متشنج خانه پدری و روابط خشک و سرد اعضای خانواده، سخت‌گیری و کنترل رفت‌وآمدها و غیره باعث شده تا تعدادی از زنان مطالعه شده، به‌منظور رهایی از این مشکلات و به‌دست آوردن آزادی، تن به ازدواج‌های بدون علاقه و شناخت بدهند.

«کانون سردی داشتیم. روابط بین والدینم خوب نبود. رفت‌وآمدهایم توسط پدر و برادرانم کنترل می‌شد. حق جواب دادن به تلفن نداشتم. مادرم خیلی روی اعصابم راه می‌رفت و کتکم می‌زد. آرزو می‌کردم زودتر ازدواج کنم و برم (فرار از خانه).»

۲-۴- مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه

مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه، یکی دیگر از مشکلات تعدادی از زنان و مردان درگیر در بی‌وفایی زناشویی است که در برخی از آن‌ها روابط و دوستی‌های قبل از ازدواج به بعد از ازدواج تسری پیدا کرده است.

«عاشق دختری بودم؛ اما خانواده منو وادار کردند با یه فردی دیگه ازدواج کنم.»
 «به کسی علاقه‌مند بودم؛ اما برادرم مخالفت کرد. من هم لجبازی کردم و گفتم هر خواستگاری بیاید، قبول می‌کنم.»

۳-۴- ازدواج تحمیلی

تعدادی از مردان و زنان به‌دلیل ازدواج مصلحتی و تحمیلی از سوی خانواده‌ها، از بدو ازدواج ایده روابط خارج از ازدواج داشتند.

«۱۸ سالم بود و نمی‌خواستم ازدواج کنم. به‌زور منو به پسرخاله‌ام دادند. من از این

ازدواج متنفر بودم. مادرم گفت چون مسئله ازدواج شما در فامیل پیچیده، اگر ازدواج نکنی آبروریزی می‌شه. به مخالفت من توجه نکردند ...»
 «این ازدواج به اصرار خانواده‌ام صورت گرفته. از اول هیچ علاقه‌ای بهش نداشتم.»

۵- عوامل اجتماعی

مفاهیم زیر درخصوص عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی زناشویی، از مصاحبه‌های انجام گرفته با افراد مطالعه شده استخراج گردیده است:

جدول ۵: مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها درخصوص عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان و زنان

مفاهیم	مقوله (طبقه)
سوءاستفاده از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت، نگرش‌های سهل‌گیرانه و مجاز جامعه، دشواری طلاق (به خاطر فرزندان و سرزنش‌های اطرافیان و ...)، تأثیر دوستان، ماهواره و فیلم‌های مستهجن و نقش تسهیل‌گری اینترنت و تلفن همراه (در ایجاد فرصت تعامل با جنس مخالف)	عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان
تغییر نگرش زنان نسبت به بی‌وفایی، دشواری طلاق و پیامدهای سنگین آن برای زنان، تأثیر دوستان و شبکه‌های اجتماعی، ماهواره و نقش تسهیل‌گری شبکه‌های مجازی و تلفن همراه (در ایجاد فرصت تعامل با جنس مخالف)	عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی زنان

۱-۵- تأثیر دوستان

اکثر مردان و حدود نیمی از زنان بی‌وفا، دارای دوستانی بودند که روابط خارج از ازدواج داشتند. دوستان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر نگرش افراد مطالعه شده، جهت داشتن رابطه خارج از ازدواج و تداوم آن اثربخش بودند.

«اکثر دوستان (متاهل و مجرد) من اهل خانم‌بازی هستند و برای من تعریف می‌کنند، تو جمع‌می‌کنی همه با افتخار از این اقدام تعریف و تمجید می‌کنند.»

«حدود یک سال پیش مشکلات زندگیم (با شوهرم) را با دوستانم در میان گذاشتم، گفتند برو با یکی دوست شو که قدر تو را بدونه؛ چون این طوری داغون می‌شی. دوستانم خیلی روی من تأثیر گذاشتند؛ چون ذهنم را آماده کرده بودند، وقتی موقعیتش پیش اومد، گفتم چرا که نه.»

۲-۵- نگرش‌های سهل‌گیرانه و مجاز جامعه

نگرش‌های مجاز و سهل‌گیرانه جامعه به دلیل امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت برای مردان و اغماض یا به عبارتی بهتر، تحمل آن از سوی زنان قربانی بی‌وفایی زناشویی، به دلایلی همچون وابستگی مالی و عاطفی، وجود فرزندان، نداشتن خانواده حمایت‌گر و تشویق آن‌ها به ادامه زندگی و در یک کلام عواقب ناگوار طلاق، آن‌ها را وادار به ادامه زندگی در کنار همسران بی‌وفایی خود می‌نماید و مردان نیز با علم به این قضیه نگرانی زیادی بابت افشای رابطه خارج از ازدواج خود ندارند.

«زنم از اول ازدواج می‌دونست که من با زن‌های دیگر ارتباط دارم. اوایل اعتراض می‌کرد و من هم می‌گفتم همینه که هست. می‌خواهی بمون، نمی‌خواهی برو به سلامت. خانواده همسر من نیز از روابط من اطلاع دارند و اون‌ها دخترشان را به ادامه زندگی تشویق می‌کنند. بهش گفتند که مرد می‌تونه چند تا زن داشته باشه تو زندگیت را تباه نکن.»

۳-۵- دشواری‌های طلاق

زنان درگیر در بی‌وفایی، برخلاف داشتن مشکلات عدیده در روابط عاطفی و جنسی زناشویی به دلایل مختلفی؛ مانند به خاطر بچه‌ها، ترس از عواقب طلاق، وابستگی مالی به شوهر و فقدان خانواده حمایت‌گر، مشکلات خانه‌پدري، فقدان حق طلاق از اقدام به جدایی قانونی اجتناب کرده‌اند. با وجود اینکه تعدادی از مردان مطالعه شده با همسرانشان طلاق عاطفی داشتند؛ اما به دلیل مشکلات و پیامدهای طلاق؛ همچون وجود فرزندان، سرزنش‌های اطرافیان و غیره از اقدام به طلاق صرف‌نظر نموده‌اند.

«چند بار به طلاق فکر کردم؛ اما به خاطر بچه‌ها به زندگی ادامه می‌دهم. می‌ترسم بعدها

سرزنش‌کنند.»

«حق طلاق با مرد است. زن هیچ حقی در این زمینه ندارد. من آگه به دادگاه مراجعه کنم می‌گن ثابت کن شوهرت معتاده، روانیه، خرجی نمی‌ده؛ اما شوهر من هیچ کدوم از این‌ها را نداره، تازه آگه داشته باشه هم، به این راحتی مگه می‌شه ثابت کرد. دیدم آگه تقاضای طلاق کنم راه به جایی نمی‌برم و وضع از اینم بدتر می‌شه، منصرف شدم.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که نارضایتی عاطفی برای زنان و جنسی برای مردان در روابط زناشویی به عنوان مقوله اصلی و محوری، در گرایش به بی‌وفایی زناشویی محسوب می‌شود. اگرچه مردان نارضایتی جنسی و زنان نارضایتی عاطفی زناشویی را به عنوان انگیزه اصلی بی‌وفایی خود بیان نمودند؛ اما تفکیک رضایت جنسی و عاطفی از هم دشوار است؛ چراکه رضایت عاطفی در اغلب مواقع زمینه‌ساز داشتن رابطه جنسی رضایت‌بخش است (به استثنای مواردی که به ناتوانی جنسی و سردمزاجی مبتلا هستند). از سویی دیگر، وجود رابطه جنسی رضایت‌بخش خود تشفی خاطر و رضایت عاطفی را تا حدودی به همراه دارد. این یافته با نتایج مطالعات گلاس (۲۰۰۳)، آلن و همکاران (۲۰۰۵) و کمپل (۲۰۰۹) که نشان دادند بین رضایت زناشویی و روابط خارج از ازدواج در هر دو جنس رابطه وجود دارد؛ اما میزان این رابطه در بین زنان بیشتر است و نارضایتی زناشویی عامل مهمی برای روابط خارج از ازدواج زنان محسوب می‌شود؛ اما ممکن است عوامل شخصی برای مردان عامل مهمی باشد، همسو است. اکثر مطالعات نیز نشان می‌دهد که اغلب افراد علت بی‌وفایی خود را مشکلات زناشویی ذکر می‌نمایند. یافته‌های مطالعه براون حاکی از آن است که اولین مرحله در بی‌وفایی زوجین نسبت به یکدیگر نارضایتی و تعارض به حدی است که امیدی به بهبود نباشد (براون^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). اسپانیر و مارگولیس^۲ (۱۹۸۳) دریافتند که ۷۰ درصد از افراد، بی‌وفایی خود را به مشکلات زناشویی نسبت دادند.

1. Brown

2. Spanier & Margolis

اغلب مردان و حدود یک‌سوم از زنان پژوهش حاضر، به کمیت و کیفیت پایین رضایت جنسی اشاره نمودند. این یافته نیز با نتایج پژوهش گرین و دیگران (۱۹۷۴) و کمپل (۲۰۰۹) که نشان داد، نارضایتی جنسی یک پیش‌بینی کننده قوی‌تری در بین مردان نسبت به زنان برای داشتن روابط خارج از ازدواج است، همخوانی دارد. برخی شواهد نشان می‌دهد که ماهیت بی‌وفایی مردان و زنان متفاوت است. آتکینز، بوکام و کریستن‌سن^۱ دریافتند، مردان درگیر در روابط خارج از ازدواج، نسبت به زنان به‌طور چشمگیری از روابط جنسی زناشویی خود ناراضی بودند (آتکینز، بوکام و کریستن‌سن، ۲۰۰۵). این تفاوت‌ها به انتظارات متفاوت جنسیتی و جامعه‌پذیری نقش جنسیت که در آن زنان را بیشتر به دوست داشتن و مردان را به داشتن رابطه جنسی سوق می‌دهد، مربوط است. برخی مطالعات نشان دادند که بین روابط خارج از ازدواج و رضایت جنسی در بین مردان رابطه وجود دارد؛ اما در بین زنان این رابطه وجود ندارد یا اینکه این رابطه در بین مردان قوی‌تر است (کمپل، ۲۰۰۹)؛ به‌عنوان مثال یابلانسکی^۲ (۱۹۷۹) به این نتیجه رسید که مردان دارای روابط خارج از ازدواج به‌طور معناداری بیش از مردان وفادار از روابط زناشویی خود ناراضی بودند. یافته‌های شاه سیاه و همکاران که با هدف تعیین رابطه تعهد زناشویی و رضایت جنسی در زوجین شهرستان شهرضا در سال ۱۳۸۷ انجام گرفته، نیز نشان داد که بین تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه معناداری وجود دارد (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۸). استز و هامونز (۲۰۰۲) یکی از علل خیانت در زوجین را کمبودهای جنسی و عاطفی یا فقدان جذابیت جنسی در هر یک از زوجین می‌دانند. کیفیت پایین یا کمی رابطه جنسی در روابط زناشویی و نداشتن تشابه و تفاهم در ازدواج عوامل زمینه‌ساز رابطه جنسی خارج از ازدواج است که شاید درگیری افراد در این رابطه به‌عنوان ابزاری جهت بازگرداندن تعادل باشد (کمپل، ۲۰۰۹). زوجی که رضایت جنسی ندارند به احتمال زیاد تمایل پیدا می‌کنند حداقل با یک رابطه جنسی خارج از زناشویی، جبران کند (آتکینز و جکوبسون، ۲۰۰۱). البته رضایت جنسی در روابط زناشویی

1. Atkins Yi, Baucom and Christensen

2. Yablonsky

برای زوجینی که سابقه خیانت داشتند، اهمیت کمتری در ارتکاب داشته است (لیو، ۲۰۰۰). همچنین یافته‌های پژوهش حاضر درخصوص تأثیر مشکلات جنسی و عاطفی زناشویی در سوق یافتن افراد مطالعه شده به روابط خارج از ازدواج، با نظریه‌های برابری^۱ و سرمایه‌گذاری^۲ و مدل‌های تحقق نیازها^۳، توسعه خود^۴ و کمبود^۵ (تیوسنارد، ۲۰۰۹ و جنیفریو، ۲۰۰۹) همسو است.

براساس نظریه‌ها و مدل‌های مذکور، انگیزه برای بی‌وفایی زناشویی به علت نقص و مشکلات در ازدواج است و این رابطه به احتمال زیاد برای جبران بخشی از ازدواج است که به درستی کار نمی‌کند. به عبارتی، چنانچه تحقق نیازها در روابط زناشویی مقدور نباشد، این امکان وجود دارد شریکی که نیازش تحقق نیافته، به احتمال زیاد خود را مجاز بداند که نیاز خود را با فرد دیگری در قالب روابط خارج از ازدواج تحقق ببخشد. اگرچه بی‌وفایی زناشویی یک معلول چند علیتی است و نظریه‌های متعددی از جنبه‌های مختلف به تبیین آن پرداخته‌اند؛ اما به تأثیر خصوصیات، نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی، عوامل کلان و نیز بی‌وفایی که به عنوان نتیجه فرصت اتفاق می‌افتد، توجه نکرده‌اند. همچنین در توضیح اینکه چرا افراد راضی و متعهد به روابط زناشویی، ممکن است دست به روابط خارج از ازدواج بزنند، عاجزند.

اغلب مردان و تعداد اندکی از زنان مطالعه شده، میل به تنوع و هیجان‌خواهی را عامل گرایش به روابط خارج از ازدواج بیان نمودند که با نظرات جانسون (۱۹۷۲) که معتقد است تمایلات متعدد فردی در گرایش فرد به روابط خارج از ازدواج جنسی مؤثر است و همچنین نتایج پژوهش شیردل (۱۳۸۳) همسو است.

اکثر زنان و تعدادی از مردان مطالعه شده، دارای اعتماد به نفس پایینی هستند. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های گلاس و وایت (۱۹۹۲) که در آن یکی از انگیزه‌های درونی برای

1. Equity Theory
2. investment
3. Need Fulfillment
4. Self-Expansion Model
5. Deficit Model

آسیب‌شناسی وفاداری در روابط زناشویی ۲۰۳

بی‌وفایی، تقویت اعتماد به نفس است (تیوسنارد، ۲۰۰۹) همخوانی دارد. براساس این مطالعات، زمانی که فرد از مسائل اعتماد به نفس و فقدان آن رنج می‌برد، جذابیت‌های روابط خارج از ازدواج افزایش و موانع و عوامل بازدارنده و تنفر از آن کاهش پیدا می‌کند. در حقیقت فرد از طریق روابط خارج از ازدواج به دنبال افزایش اعتماد به نفس است.

بنا بر یافته‌های تحقیق حاضر، بیشترین مورد بی‌وفایی زناشویی در ۱۰ سال اول ازدواج آن‌ها صورت گرفته که با نتایج پژوهش لیو^۱ (۲۰۰۰) است که در آن روابط جنسی خارج از ازدواج مردان در سال هفتم و زنان در سال هشتم ازدواج به اوج خود می‌رسد، همخوانی دارد (تیوسنارد^۲، ۲۰۰۹)؛ اما با نتایج پژوهش شاه سیاه و همکاران (۱۳۸۸) که نشان داد بین طول مدت ازدواج با تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه وجود دارد و هرچه طول مدت ازدواج کمتر باشد، تعهد و رضایت جنسی بیشتر است، همخوانی ندارد (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، بیشترین میزان بی‌وفایی زناشویی در سنین ۲۶ - ۳۵ سال اتفاق افتاده است. این نتایج با یافته‌های پژوهش آماتو و راگرز (۱۹۹۷) که احتمال تجربه روابط خارج از ازدواج را در بین زوجین جوان‌تر (کم‌سن‌وسال‌تر) بیشتر نشان می‌دهد همسو است؛ در حالی که یافته‌های آتکینز، بوکام و جکوبسون در سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد، زوجینی که در سنین بالا ازدواج کردند، تجربه بیشتری از خیانت داشتند.

همچنین بیش از نیمی از زنان بی‌وفا در روابط زناشویی خانه‌دار هستند. این نتایج با یافته‌های آتکینز و دیگران (۲۰۰۱) که براساس آن، بی‌وفایی زناشویی در بین زوجینی که تنها یکی از آن‌ها شاغل است بیش از زوجینی که هر دو شاغل هستند، منطبق است. به خاطر اینکه اگر یکی از زوجین شاغل باشد، ممکن است همراهی، آرامش و صمیمیت را با همکاری که می‌تواند او را بهتر درک و همراهی کند، پیدا کند (گلاس^۳، ۱۹۹۸ به نقل از کلین، ۲۰۰۷). طبق تحقیق به عمل آمده، اغلب مردان و زنان درگیر در روابط خارج از ازدواج، دارای فرزند هستند. این یافته نشان می‌دهد که وجود فرزند برخلاف نظر لیو (۲۰۰۰) که داشتن

1. Liu

2. Touesnard

3. Glass

فرزند را نوعی سرمایه‌گذاری انسانی^۱ و پای‌بند کننده فرد به خانواده‌اش می‌داند، مانع و عامل بازدارنده بی‌وفایی زناشویی نگردیده است (جنیفریو، ۲۰۰۹).

بر مبنای اطلاعات مطالعه حاضر، از عوامل زمینه‌ای اثربخش می‌توان به تجارب تلخ دوران کودکی؛ همچون سابقه خشونت توسط اعضای خانواده، محیط متشنج خانه و درگیری و مشاجره بین والدین، اعتیاد، طلاق و فوت والدین، سابقه رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج اشاره نمود. همچنین نمی‌توان از کنار سنگ بنای اشتباه در امر ازدواج؛ مانند ازدواج‌های تحمیلی، مصلحتی، ازدواج در سنین پایین و فقدان بلوغ فکری و عاطفی به‌راحتی گذشت؛ چراکه ریشه این مشکل در برخی از افراد مطالعه شده از بدو ازدواج بوده که با علاقه‌مندی صورت نگرفته است. خانواده‌ها و بعضاً خودشان به دلیل ترس از دست‌دادن شانس ازدواج، تن به ازدواج‌های اجباری داده‌اند.

دوستان و شبکه‌های اجتماعی و تجارب روابط قبل از ازدواج نیز در گرایش به بی‌وفایی نقش بسزایی ایفا نموده‌اند. این یافته با نظرات بونک و بیکر (۱۹۹۵) که معتقدند افراد زمانی که دوستان یا خانواده آن‌ها درگیر بی‌وفایی زناشویی باشند، تمایل بیشتری به این کار دارند (بونک و بیکر^۲، ۱۹۹۵) همسو است. آشنابودن با فردی که درگیر بی‌وفایی زناشویی است، شخص را به سمت این روابط سوق می‌دهد. اگر فردی زمان زیادی را صرف گوش کردن به تجربیات دیگران درخصوص روابط خارج از ازدواج بکند، ممکن است از نگرش منفی آن‌ها به این روابط کاسته شود و این احساس در آن‌ها ایجاد شود که آن‌یک رفتار بهنجار اجتماعی است و به سمت داشتن روابط خارج از ازدواج سوق پیدا کند.

اکثر افراد مطالعه شده دارای سابقه دوستی و رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج هستند و حتی در برخی از آن‌ها به رابطه جنسی نیز ختم شده است. این یافته نیز با نتایج پژوهش وایت و همکاران (۲۰۰۰) که در آن افرادی که قبل از ازدواج، اولین رابطه جنسی آن‌ها، با شرکا رضایت‌بخش بوده، گرایش بیشتری به داشتن روابط خارج از ازدواج در مراحل بعدی

1. human capital investment

2. Buunk& Bakker

زندگی داشتند، همسو است. فرض بر این است که شخص دارای روابط جنسی متعدد قبل از ازدواج، بیشتر دید مثبت نسبت به مسائل جنسی دارد و ممکن است احساس کند که داشتن شرکای متعدد جنسی نسبت به یک شریک رضایت بیشتری ایجاد می‌کند.

اکثر مردان مطالعه شده متأثر از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت و نگرش‌های سهل‌گیرانه جامعه نسبت به بی‌وفایی مردان، نگرش مجازی به روابط خارج از ازدواج داشتند و آن را برای روابط زناشویی خود بی‌ضرر می‌دانستند. این یافته با نتایج پژوهش‌های اسمیت (۱۹۹۴) و کینزی (۱۹۵۳) که در آن هر چه فرد آزادی‌خواه‌تر باشد، نگرش مجازی نسبت به روابط خارج از ازدواج خواهد داشت و بیش‌تر تمایل دارد که در آن شرکت کند (کلین، ۲۰۰۷) همخوانی دارد.

باید توجه داشت که شرایط اجتماعی در جامعه ما به دلیل گسترش روزافزون ارزش‌های مدرن از طریق ارتباطات و رسانه‌های جمعی به‌طور مداوم در حال تغییر است و امکان تعامل بین دو جنس از طریق فضای مجازی (اینترنت) و تلفنی (تلفن همراه) افزایش یافته، اگرچه معرفی وسایل ارتباطی به‌عنوان عامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی خطای بزرگی محسوب می‌شود، اما از طرفی نمی‌توان از نقش تسهیل‌گری و ایجاد فرصت آن برای بی‌وفایی غافل ماند؛ چراکه در کنار نقش زمینه‌ساز نارضایتی زناشویی و پایین‌بودن میزان تعهد زناشویی در بی‌وفایی، به‌وجودآمدن فرصت چه حضوری یا مجازی عامل تعیین‌کننده‌ای دارد. به‌عبارتی دیگر، هرچند اکثر افراد مطالعه شده با مشکلات زناشویی در روابط عاطفی و جنسی مواجه بودند؛ اما به مواردی هم برمی‌خوریم که باوجود رضایت بالای زناشویی اقدام به بی‌وفایی کرده بودند که علت آن را می‌توان در پایین‌بودن تعهد زناشویی و فراهم‌بودن فرصت ارتباط با جنس مخالف و عوامل کلان اجتماعی و فرهنگی در این زمینه جست‌وجو کرد. همچنین نمی‌توان نقش وسایل ارتباط جمعی و به‌ویژه ماهواره را نادیده گرفت که با نمایش فیلم‌های متعددی با محتوای خیانت و بی‌وفایی و با هدف تغییر نگرش مخاطبان، عادی جلوه‌دادن بی‌وفایی و تضعیف بنیان‌های خانواده و غیره، تردیدهایی در باب مشروعیت نداشتن روابط خارج از ازدواج در جامعه ایجاد نموده است؛ چراکه اذعان تعدادی از افراد مطالعه شده به

تغییر نگرش بر اثر مشاهده فیلم‌هایی با محتوای خیانت و آماده کردن ذهن آن‌ها به داشتن رابطه خارج از ازدواج و تداوم رابطه، گواهی بر این مدعی است.

برآیند نهایی که از یافته‌های تحقیق به دست آمد بیانگر آن است که ویژگی‌ها و خصوصیات فردی، نارضایتی عاطفی و جنسی در روابط زناشویی، مشکلات خانواده، خاستگاه و عوامل اجتماعی به عنوان عوامل زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده در گرایش افراد متأهل به بی‌وفایی زناشویی اثربخش است. از ویژگی‌های فردی که در گرایش مردان به بی‌وفایی اثربخش بوده، میل به تنوع‌طلبی، نیاز به اثبات مردانگی، احساس جوانی و بی‌ضرر دانستن و نگرش مثبت به این نوع رابطه و در حوزه فردی زنان نیز؛ ضعف اعتقادات و باورهای مذهبی، تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، پایین بودن اعتماد به نفس و نیاز به جلب توجه در تمایل آنان به روابط خارج از ازدواج مؤثر بوده است. از عوامل زناشویی زمینه‌ساز بی‌وفایی، هم می‌توان به برآورده نشدن توقعات ازدواج و ارضا نشدن نیازهای عاطفی و جنسی در روابط زناشویی اشاره کرد. مسائل و مشکلات خانواده خاستگاه یکی دیگر از عوامل اثربخش در گرایش به بی‌وفایی زناشویی بود. درحقیقت علت اصلی ریشه برخی از مشکلات زناشویی تعدادی از مردان و زنان مطالعه شده را باید در محیط متشنج خانواده پدری، ازدواج نادرست و بدون علاقه و شناخت آن‌ها جست‌وجو کرد. از عوامل اجتماعی اثربخش و تسهیل‌کننده در بی‌وفایی مردان می‌توان به سوءاستفاده از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت برای مردان، نگرش‌های سهل‌گیرانه و مجاز جامعه نسبت به بی‌وفایی مردان، تأثیر دوستان، ماهواره و فیلم‌های مستهجن و نقش تسهیل‌گری شبکه‌های مجازی و تلفن همراه (در ایجاد فرصت تعامل با جنس مخالف) و در زنان نیز به دشواری طلاق و پیامدهای آن برای زنان، تأثیر دوستان و شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌های ماهواره اشاره نمود. درمجموع بی‌وفایی زناشویی معلول چند علیتی است و عوامل فردی، خانوادگی- زناشویی و اجتماعی در بروز آن اثربخش هست.

جهت کاهش و جلوگیری از گرایش مردان و زنان متأهل به روابط خارج از زناشویی راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

آسیب‌شناسی وفاداری در روابط زناشویی ۲۰۷

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در راستای ارتقای مهارت‌های همسرمداری، شیوه‌های برقراری تعامل مفید و سازنده با همسر در خصوص روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش و افزایش آگاهی آن‌ها نسبت به نیازهای یکدیگر و چگونگی پاسخ‌دهی مناسب به آن‌ها؛
- الزام زوجین به مشاوره‌های قبل از ازدواج و دادن آگاهی‌های لازم به خانواده‌ها در خصوص پیامدهای ازدواج‌های اجباری؛
- آموزش افراد از سنین نوجوانی و آشنایی آن‌ها با نیازهای جنس مخالف و شیوه‌های برقراری تعاملات سالم و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای همسرگزینی مناسب و ازدواج سالم و نیز آگاهی‌دادن به افراد در خصوص پیامدهای روابط نامناسب با جنس مخالف قبل از ازدواج و اثرات مخرب آن بر روابط زناشویی بعد از ازدواج، از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی؛
- اشاعه فرهنگ استفاده از خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی از طریق توسعه خطوط تلفنی کمک فکری^۱ و بحران^۲ یا راه‌اندازی مراکز مشاوره رایگان در راستای ارتقای کیفیت زندگی و بهداشت روانی زوجین، کاهش تعارضات، اختلافات زناشویی و خشونت‌های خانگی و مشاوره با زوجین و آگاهی‌دادن به آنان از طریق وسایل ارتباط جمعی که در صورت بروز مشکل با این خطوط تماس بگیرند یا به مراکز مشاوره مراجعه نمایند.

محدودیت‌های پژوهش

- به دلیل پیامدهای ناگوار حقوقی و اجتماعی افشای بی‌وفایی زناشویی به‌ویژه برای زنان، تاب‌بودن رابطه جنسی در جامعه ما صحبت در این حوزه در بسیاری از موارد ناخوشایند و جست‌وجو و کنکاش پیرامون آن، تجسس در حوزه خصوصی افراد

1. Help line
2. Hot line

محسوب می‌شود. این امر دست‌یابی به افراد مدنظر را با مشکل مواجه نمود؛ به‌همین دلیل پژوهشگر مجبور به انتخاب نمونه‌ها از مراجعان به مراکز مشاوره گردید؛ - فقدان همکاری برخی از مسئولان مراکز و مؤسسه‌ها به‌دلیل حساسیت زیاد موضوع و نگرانی مراجعه‌کنندگان از افشای هویت و اطلاعات شخصی از محدودیت‌های دیگر پژوهش هست.

منابع فارسی

احمدی، حبیب (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
خدمتگذار، حسین؛ بوالهری، جعفر و کرملو، سمیرا (۱۳۸۷). *بی‌وفایی همسران*. تهران: انتشارات قطره.
شیردل، ملیحه (۱۳۸۳). *بررسی عواملی که موجب گرایش زنان و مردان متأهل به روابط نامشروع جنسی می‌شود*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
شاه‌سیاه، مرضیه، بهرامی، فاطمه و محبی، سیامک (۱۳۸۸). *بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان رضا*. مجله اصول بهداشت روانی، شماره ۱۳.
کشاوریز آقا محمدی، پروین (۱۳۸۷). *خیانت ممنوع*. تهران: انتشارات البرز فردانش.
مهرداد، ندا، حقدوست اسکویی، سیده فاطمه و سید فاطمی، نعیمه (۱۳۹۲). *تحلیل محتوای کیفی*. تهران: انتشارات بشری.

منابع انگلیسی

Allen, E. S., Atkins, D. C. (2005). *The multidimensional and developmental nature of infidelity: Practical applications*. Journal of Clinical Psychology, 61, 1371-1382.
Amato, P. R., & Rogers, S. J. (1997). *A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce*. Journal of Marriage and The Family, 59, 612-624.
Atkins, D. C., Jacobson, Neil S., and Baucom, Donald H. (2001). *Understanding infidelity: Correlates in a national random sample*. American Psychological Association, 15(4), 735-749.

- Atkins, D. C., Yi, J., Baucom, D. H., & Christensen, A. (2005). *Infidelity in Couples seeking marital therapy*. Journal of Family Psychology, 19, 470-473.
- Buunk, B. E., & Bakker, A. B. (1995). *Extra dyadic sex: The role of descriptive and injunctive norms*. The Journal of Sex Research, 32, 313-318.
- Brown SL, Sanchez LA, Nock SL, Wright JD, *Link between premarital cohabitation & subsequent marital quality, stability & divorce*, SocSci Res 2006: 70- 454.
- Campbell, Amanda Marie M.A. (2009). *How Selected Personality Factors Affect The Relationships Between Marital Satisfaction, Sexual Satisfaction, And Infidelity*, A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy, Tech University,.
- Greene, K. & Faulkner, S. L. (2005). *Gender, belief in the sexual double standard, and sexual talk in heterosexual dating relationships*. Sex Roles: A Journal of Research, 53(3-4), 239-251.
- Jayson, S. (2008). *Infidelity is common knowledge in USA, poll suggests*. USA Today, 4D.
- Jeanfreau, Michelle, Marchese. (2009). *A qualitative study investigating the decision- making process of women's participation in marital infidelity*, An abstract of a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy ,University Manhattan, Kansas.
- Kleine ,Michelle, (2007). *The Impact Of Accounts And Attributions Following Marital Infidelity*, A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy. University of Missouri – Columbia,.
- Kvale, Steinar and SvendBrinkmann, (2009). *"Interviews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing"*. Second Editions, Sage Publications.
- Lusterman, D.D. (2005). *Helping children and adults cope with parental infidelity*. Journal of Clinical Psychology: In session, 61, 1439-1451.
- Liu, C. (2000). *A theory of marital sexual life*. Journal of Marriage and the Family, 62(2), 363-374.
- Patton, M. (2002). *Qualitative research & evaluation methods*. London: Sage Publication.
- Prins, K.S., Buunk, B.P., &VanYperen, N.W. (1993). *Equity, normative disapproval, and extramarital relationships*. Journal of Social and Personal Relationships, 10, 39-53.

- Silverman, D. (2005). *“Doing Qualitative Research”*. London: Sage Publication.
- Rusbult, C. E. & Buunk, B. P. (1993). *Commitment processes in close relationships: An interdependence analysis*. Journal of Social and Personal Relationships, 10, 175-204.
- Smith, D.J. (2007). *Modern marriage, men's extramarital sex, and HIV risk in Southeastern Nigeria*. American Journal of Public Health, 97, 997-1014.
- Touesnard, Lisa (2009). *A Study of the Effects of Infidelity on Contemporary Couples, A thesis presented to the University of Waterloo in fulfillment of the thesis requirement for the degree of Master of Art in Sociology*. Waterloo, Ontario, Canada.
- Treas, J., Giesen, D. (2000). *Sexual infidelity among married and cohabiting Americans*. Journal of Marriage and The Family, 62, 48 - 60.
- Sprecher, S. (1998). *Social exchange theories and sexuality*. The Journal of Sex Research, 35, 32-43.